

ردپا



مهتا مهدی زاده - در ابتدا بهتر است برای آن که یک طرفه به قاضی نرفته باشیم، وضعیت شوراهای صنفی و فعالیت دانشجویی را از اندکی دورتر نظاره کنیم. سال گذشته، پس از چندی که رخوت بر پیکر دانشگاه سایه افکنده بود، جوش و خروشی دوباره به آن راه یافت. سال تحصیلی جدید در حالی آغاز شد که شاهد اعتراض به سنوات در دانشگاه‌های مختلف بودیم، اما دانشگاه تهران چندان که باید این مسأله را با جدیت پی نگرفت. وضعیت نه چندان مناسب اعضای شوراهای صنفی دانشکده‌ها و مواضع مرددشان در رابطه با سیستم مدیریتی دانشگاه، شرایط مناسبی را برای اعتراض‌های گسترده‌تر فراهم نمی‌کرد. بیان این نکات از آن جهت است که بتوانیم عملکرد شورای صنفی دانشکده را واقع‌گرایانه‌تر و با وجود کارشکنی‌ها، ضعف شورای مرکزی دانشگاه و در زمانی که فرایندهای درونی و بیرونی ضد دانشجویی -مانند: افزایش فشارهای امنیتی و تغییرات ساختاریافته در بدنه‌ی دانشجویی (حاصل سهمیه‌ها و بومی‌گزینی)- تشدید شده‌اند، دریابیم. انتقادهای زیر، نه تنها به شورای علوم اجتماعی که بعضاً به عملکرد شورای صنفی دانشگاه مرتبط است.

با این مقدمه محورهای اصلی انتقادات را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی کرد:

انقضا

زمانی را که شورای صنفی به نقد عملکردش اختصاص داده‌است، فاقد کارایی است. نقد، زمانی معنا دارد که طرفین به‌طور متقابل کنشگر باشند نه در زمانی که اطلاعیه‌ی بازه‌ی ثبت‌نام دوره‌ی آینده منتشر شده‌است! در موضع منفعل می‌توان انتقادات را چراغ راه آیندگان شمرد، اما نباید فراموش کرد

فضای گفت‌وگو و برگزاری جلسات ماهانه (ولو با حداقل شرکت‌کنندگان) برای نقد و بررسی عملکرد شورا، انتقال اخبار و رویدادها و طرح مسائل، نشان‌دهنده‌ی دغدغه‌مندی و مسؤلیت‌پذیری اعضای تشکل دانشجویی در همان دوره است.

انفعال در برابر انفعال

شورای صنفی گرچه برآمده از بدنه‌ی عمومی دانشجویان و موظف است هم‌پای دانشجویان و برآمده از مطالبات آنان فریاد برآورد، لیکن در شرایط پر فراز و نشیب ایجاد شده طی یک سال اخیر، درحالی‌که فضای فعالیت دانشجویی هرچه بیشتر به انفعال کشیده می‌شد، شورای صنفی در مسأله‌مند کردن دانشجویان و به‌دست دادن فهم دقیق از وضعیت، اتفاقات و تصمیماتی که در سطوح مختلف رقم می‌خورد عملکرد مناسبی نداشته‌است. بدنه‌ی دانشجویی و حتی بدنه‌ی فعال دانشجویی مدام در معرض پراکندگی و تخریب کنش جمعی قرار دارد، شورای صنفی دانشگاه و ذیل آن شورای صنفی دانشکده نتوانسته‌است توانایی بالقوه‌ی خود برای تغییر این فضای شکننده و تغییر شیوه‌های مقاومت را به فعل برساند.

عدم نشر گزارش کار

حتی بسیاری از دانشجویان که نسبت به مسایل صنفی حساسیت دارند از بسیاری موارد، تصمیمات، مصوبات، برخوردهای امنیتی و... نا مطلع‌اند. علت این مسأله را می‌توان منتشر نکردن شرح عملکرد شورای صنفی دانست.

واضح است که شورا جلسات، رایزنی‌ها، پیگیری‌های گوناگونی را بر عهده داشته و هم‌چنین برخوردها و کارشکنی‌هایی بر سر راه شوراها وجود داشته‌است، اما عدم

یا ناکافی‌بودن بازنمایی و انتشار آن، فضای عمومی را در انفعال نگه می‌دارد و نیز نسبت به کارایی شورا تردید ایجاد می‌کند.

ضعف در انسجام بخشی

در این دوره از فعالیت شورای صنفی، گروه‌های مختلف دانشجویان، مطالبات صنفی خود را از طرق گوناگون پیگیری می‌کردند. شورای صنفی، به مثابه‌ی نهاد حمایتی دانشجویی و تنها تشکل دانشجویی که تمام دانشجویان شورای عمومی آن محسوب می‌شوند، نتوانست بدنه‌ی عمومی را ذیل فعالیت‌های خود یکپارچه سازد و نیروهای پراکنده و خرد فعالیت را مجتمع کند. جلسات و گفت‌وگوهای مختلفی میان فعالان دانشجویی در بازه‌های زمانی گوناگون شکل گرفت که عدم حضور نمایندگان شورای صنفی (به مثابه‌ی نمایندگان رسمی مطالبات و امور صنفی) در بسیاری از این جلسات، نقطه‌ی ضعف بزرگی به حساب می‌آید. این ضعف عملکرد نه تنها برای شورای صنفی دانشکده که برای سایر شوراهای دانشگاه نیز وجود دارد.

خلاصه آن‌که شورای صنفی به‌عنوان نهادی بینابینی، با وجود تمام دشواری‌های پیش‌روی فعالیت و تمام پیچ و خم‌های غیرقابل پیش‌بینی -که بدون شک راه را برایش ناهموار می‌ساخت- آن‌چنان که باید و شاید، نتوانست در زمان مناسب، هم‌پای دانشجویان حضور داشته باشد، اهدافشان را انسجام بخشیده و حرکت را تسریع و تسهیل کند؛ بلکه بیشتر به‌عنوان نهادی دور دست ایفای نقش کرد که دانشجویان می‌بایست سراغش را می‌گرفتند.

با احترام به راه‌های آمده و ردّ پاهای به‌جا مانده و به‌امید مسیرهایی هموارتر، چراغ‌هایی روشن‌تر و گام‌هایی استوارتر.

اشاره کنم، شکی در این امر نیست که افراد حاضر در شورا قرار نیست که همفکر و نظر تشکل‌های سیاسی باشند و یا با یکی از آنها در اتحاد به سر ببرند اما لازم است که شورا صنفی به عنوان تشکلی با دغدغه‌ها عام و نه گروه و دسته‌ای خاص بتواند در صورت نیاز برای رفع مشکلی یا برآورده کردن خواسته‌ای مشروع و همگانی با تشکل‌های سیاسی همکاری کند امری که با رابطه تاریک و خصمانه‌ای که اکنون به چشم میان شورا و دیگر تشکل‌ها دیده می‌شود امکان پذیر نیست. (صدا البته که در به وجود آمد این وضع تشکل‌های سیاسی هم به اندازه شورا مقصر هستند)، اما در باب ارتباط با حوزه ریاست دانشکده و دانشگاه امری که جالب توجه است این است که اعضای شورا به رییس و معاونان دانشکده و دانشگاه نه به عنوان شخصی که می‌بایست با صحبت و استدلال قانع شود و افرادی که می‌توان با صحبت کردن با آنها نتیجه‌ای به دست آورد که به عنوان دشمنان خونی خود نگاه میکنند و همین امر باعث شده که فرایند پیگیری‌های مسائل صنفی بیشتر شبیه میدان جنگ میان دانشجویان و مسئولین دانشگاه و دانشکده در بیاید تا عرصه‌ای برای حل مشکل دانشجویان. نویسنده منکر تفاوت دیدگاه فاحش میان دانشجویان و مسئولین دانشگاه نیست بلکه سعی در بیان این امر دارد که با تبدیل کردن میدان به صحنه مبارزه و رقابت نه تنها نمی‌توان به نتیجه مطلوب رسید که این امر باعث بالا رفتن هزینه فعالیت و همچنین دلزده و ناامید شدن دانشجویان از فعالیت می‌شود. چرا که در دید شخصی بیرون از شورا این امر به عنوان استفاده‌ای بی نتیجه از آخرین فشنگ باقی مانده در خشاب جلوه میکند و این ایده را در ذهن‌ها ایجاد میکند که فعالیت‌ها قرار نیست به نتیجه‌ای قطعی و با ثبات برسد و آنچه به دست آمده نیز برای همیشه در معرض خطر است.

اما شاید بتوان این تبدیل عرصه فعالیت به میدان مبارزه را تا حدی با نقد دیگری که گاه به شورا وارد است در ارتباط دانست و آن این است که بخش عمده‌ای از افراد فعال در شورا فنون چانه زنی و امتیاز دادن و گرفتن در جلسات با مدیران را نیاموخته و فقط با سینه‌ای پر درد از مشکلات و سختی‌هایی که به آنها و دیگر دانشجویان فشار می‌آورد شورا را مجالی برای فریاد زدن یافته‌اند، شاید یکی از نقدهایی که به شورا صنفی وارد است همین باشد که بازی در زمین قدرت را که تشکل‌های سیاسی را به خاطر بهره بردن از آن محکوم میکنند را بلد نیستند و همین باعث می‌شود که برای مطالبات کوچک و درشتشان هزینه زیادی بپردازند بی آنکه به نتیجه‌ای که می‌بایست برسند. متأسفانه در حال حاضر وجود دانشجویان حامی شورا به جای اهرام فشاری که شورا با تکیه به آن و اشاره به آن دست به گفتگو با ریاست بزند تبدیل به

در صدی بر دوش خود احساس کند وجود ندارد و این امر باعث می‌شود امکان بازخواست و توضیح خواستن از فرد در صورت عدم انجام وظیفه یا بروز اشتباه در انجام کار محول شده وجود نداشته باشد. این امر به این معنا نیست که هیچگونه تقسیم کار و تقسیم وظایف‌ای رخ نداده است بلکه به این معنی است که تقسیم وظایف، دارای چارچوب روشن و قاطعی که شخص بر اساس آنها نتواند از انجام کار خود شانه خالی کند و یا آنرا به دوش دیگری بیندازد وجود ندارد و تقسیم کارهای شکل گرفته در قالبی دوستانه انجام و فهم می‌شوند و اشخاص به خاطر عدم تفکیک جایگاه و وظایف ساختاری و دوستانه خود از یکدیگر انجام وظیفه محوله را چونان تکلیف و تعهدی لازم الاجرا بر دوش خود احساس نمی‌کنند و از طرف دیگر کارگروه‌های شکل گرفته پیش از آن که گروه‌هایی برای پیگیری باشند افرادی تنها هستند، که این امر خود ریشه در نداشتن افرادی مشخص به عنوان بدنه فعال و ثابت شورا صنفی که پیش از این نیز مطرح شد دارد. امری دیگر عرفیات تشکیلاتی است که در بسیاری از تشکل‌های دانشجویی به خصوص شورا صنفی مورد غفلت قرار گرفته و می‌گیرد. تلاش برای حفظ یکپارچگی و اتحاد تشکل در مقابل عناصر بیرونی یکی از مهم ترین آنهاست، منظور من از این امر این است که اشخاصی که به عنوان اعضای شورای مرکزی یا اعضای فعال تشکل مشغول فعالیت هستند نمی‌بایست اجازه دهند که اختلافات و درگیری‌های داخلی‌شان به خارج از تشکل درز کند و حتی زمانی که با تصمیم‌هایی گرفته شده در جلسات داخلی خود موافق نیستند می‌بایست در عرصه عمومی و در پیشبرد تصمیم گرفته شده همکاری و همراهی کنند. و بروز رفتارهایی مانند مطرح شدن صحبت‌های رد و بدل شده در جلسه شورا مرکزی در خارج از جمع افراد خود شورا یا بیان مخالفت یکی از اعضای شورا با تصمیم گرفته شده در عرصه عمومی و... نشانگر این است که متأسفانه بیشتر همدانشکده‌ای‌های فعال ما هنوز آداب و عرفیات فعالیت تشکیلاتی را نیاموخته‌اند. اگر بخواهیم در مورد وضعیت تشکل یافتگی شورا سخن بگویم می‌بایست گفت متأسفانه شورا را نمیتوان تشکیلاتی به حساب آورد و نقد‌های تشکیلاتی بیشتری از آنچه بیان شد به آن وارد است. هرچند گام‌هایی در راه تشکل‌یابی آن برداشته شده اما شورا صنفی مسیری طولانی تا تبدیل شدن به تشکیلات پیش رو دارد، مسیری که متأسفانه باقی تشکل‌های دانشکده که روزی به مقصد رسیده بودند در حال بازگشت از آن هستند.

اما اگر بخواهیم مسئله‌ای دیگر جز تشکل نیافتگی را بیان کنم می‌بایست به وضعیت نامناسب ارتباط بین شورا صنفی و تشکل‌های سیاسی و حوزه ریاست دانشکده و دانشگاه

شورای صنفی؛ نهاد دانشجو محور

زیر پرچم منافع و حق ایشان در شورای صنفی میباید. از این رو شورا نهادهی دانشجو محور میباید نه عقیده محور و گروه محور.

دومین بحثی که میشود در این جا بیان کرد این است که شورا باید نهادهی در جهت کاهش نزاع های دانشجویی باشد. همیشه شاهد درگیری های دانشجویان با عقاید مختلف در گروه های تلگرامی بوده ایم. از این رو شورا باید تدبیری بیاندیشد تا حتی الامکان منافع جمعی دانشجویان برآورده شود. در این امر هم اعضای مرکزی و هم دانشجویان باید درگیر باشند. دانشجویان باید از مباحث پیرامونی که آسیب آن از منافعی بیشتر باشد خودداری کنند و هم اعضای شورا نباید به نفع گروه خاصی مجادله کنند. جهت گیری های مشاهده شده عموماً سبب بی رغبتی افراد بی طرف به هر دو سمت درگیری ها شده است که خصوصاً به ضرر شورا بوده، زیرا همانطور که در بالا گفته شد با وظایف شورا آشنا نیستند. به نظر من باید نمونه ای از وظایف شورا در بردن های موجود نصب شود. باید حقیقتی را پذیرا باشیم و آن اینکه فضای مجازی الان دیگر به حقیقت زندگی ما بدل شده است، پس باید مراقب رفتارمان در آن فضا و مباحث بعد از آن در فضای دانشکده باشیم. هر کسی اشتباه میکند، اما باید بتوانیم آن اشتباه را اول فهمیده و متعاقباً در جهت رفع آن حرکت کنیم.

سومین موردی که به نظر من بیانش خالی از لطف نیست تلاش های ناموفق شورا در جهت تعمیر و یا تامین مایع های سرویس های بهداشتی بوده، مسئله ای که بشدت بر روی آن بحث بود که دائماً خراب است و یا خالی است. وقتی گفته میشود که فلان سرویس بهداشتی اینجوری است لبخندی بر لبان دانشجویان مینشیند و بعضی ها تمامی وظایف شورا را محدود به این اواخر میدانند اما هیچوقت معلوم نشد که عدم این موفقیت در چیست؟ آیا این مسئله به کمبود بودجه برمیگردد یا کم کاری بچه های شورا و یا خود دانشجویان استفاده ی مناسب از آن ندارند. اما آن چیز که مهم است این است که از حالا به بعد اعضای مرکزی شورا بیشتر به فکر این مسائل باشند.

مورد بعدی را میتوان به برگزاری جشن های مختلف در دانشکده اختصاص داد. در واقع نوعی تکراری بودن و نداشتن مطالب جدید و ایده های نو سبب بی رغبتی دانشجویان به آن شده است. همانطور که مشاهده میشود اول جشن ها دانشجویان دنبال اینکه دیگر این جشن فرق میکند با جشن های گذشته

پر شور برگزار میشود اما به انتها نرسیده سالن خالی میشود. چندعامل مثل تکراری بودن افراد، شیوه ی اجرای آنها و حتی دخیل نکردن دانشجویان در آن مراسمات را میتوان مدنظر قرار داد.

مورد پنجم را برای فضای سبز دانشکده میتوان مدنظر قرار داد. هرچند کارهایی برای آن انجام شده اما باز هم میتوان جای کار بیشتر را داشته باشد. عامل دیگر فضای پشت دانشکده میباشد. البته شورا باید تصمیمات جدی برای این مسئله بگیرد زیرا چهره ی واقعا نامناسبی را رقم زده است.

باری همه ی این عوامل خود جای بحث های بیشتری دارد اما نقطه ی روشن همه ی این مسائل روی کار آمدن افراد دلسوزی است در شورا که سبب امیدواری دانشجویان میشوند؛ زیرا افرادی جسور، پرتلاش و دغدغه مند هستند. البته بعد از نقد های گسترده در موارد متعدد حال نوبت گلابه مندی از دیگر انجمن ها و تشکل ها رسیده است. تا به حال دائماً صحبت از همکاری شورا با دانشجویان بوده و آگاه کردن ایشان مطرح بود، حال نوبت به همکاری تشکل ها و دانشجویان میرسد. با توجه به فضای کم شورا و فضای نسبتاً بزرگ برخی از تشکل ها و اعضای کم آن ها این مسئله را بغرنج میکند که چرا شورای صنفی که شورای تمامی دانشجویان دانشکده است، فضایش باید اندک باشد؟ ممکن است برخی سیاست های دانشکده اینگونه پیش برود اما جانب انصاف چگونه باید رعایت شود؟ بهتر نیست در تعاملی بین دانشجویان فضایی که در خور شورا است با شایستگی تقدیم شورا شود؛ هرچند که با اعتراضی برخی مواجه شود؛ زیرا همانگونه که میدانیم عده ای به اعتراض کردن عادت کرده اند. شاید این کار برایشان نوعی تفریح باشد اما همین تفریحات به بدنه ی دانشجویی آسیب وارد کرده است. البته همه ی ما میدانیم که شورای صنفی چه در حد دانشکده و چه در سطح بالاتر با مشکلات زیادی مواجه است، متأسفانه کارشکنی های برخی مسئولین مربوط نیز در این امر تاثیر گذار است. در آخر مطلب میخواهم صحبتی را صمیمانه با دوستان خودم در دانشکده داشته باشم و آن اینکه هیچ سازمان و نهادهی به فکر ما دانشجویان نیست مگر اینکه منافعی در ارتباط با ما باشد و تنها نهادهی که بدون هیچ چشم داشتی برای خود دانشجویان کار میکند و دغدغه مند است شورای صنفی میباشد، چرا که از خود ماست. احقاق حق شورای صنفی، احقاق حق تک تک دانشجویان است.

شورای صنفی علوم اجتماعی

حاضر شورایی جوان است، بوده است. اما با وجود تمام بارقه های امیدی که از اقدامات این چند سال شورا به چشم میخورد و تمام اقدامات مهم یا به ظاهر کم اهمیت شورا در دوره چهارم، شورا صنفی به طور اعم و دوره چهارم آن به صورت اخص مانند هر تشکل و جمع دیگری خالی از اشکال نبوده و نیست. یکی از بزرگترین معضلات و مشکلات شورا صنفی عدم تشکل یافتگی به معنی خاص آن است. هر چند طی سال اخیر و با به وجود آمدن شورای صنفی مرکزی و انجام تقسیم کار درونی، شورا صنفی بارقه هایی از کار تشکیلاتی را جلب توجه شود نمود اما برای کسانی که پیگیر شورا بودند روشن است که دوره ای کاملاً موفق بود است.

اما دوره دوم شورا دوره ای بود که متأسفانه اعضای شورا بیشتر پیگیر مسائل خورد و ظاهری دانشکده شدند و بسیاری از مسائل به دست فراموشی سپرده شد و چهره شورا از جمعی که پیگیر تمامی دغدغه های دانشجویان هستند خارج و شبیه به جمعی که بر نظافت دانشکده و چگونگی آسفالت و نظارت دارند در آمد.

اما دوره های سوم و چهارم دوره هایی بودند که میتوان با نگاه به آنها گفت که بالاخره شورا دارد به هویت و تشکل یافتگی لازم نزدیک میشود. دورانی که درون شورا کارگروه های مختلف برای پیگیری مسائل شکل گرفت و شورا برای دست یابی به جایگاه خود در ساختار دانشکده قدم های بزرگی برداشت و یکپارچی و اتصال میان دوره سوم و چهارم به وجود آمد و شورا توانست تا حد زیادی هویت خود را به عنوان تشکلی که پیگیر بسیاری از دغدغه هایی است که در حوزه فعالیت تشکل های سیاسی و علمی نیست یا توسط آنها بی اهمیت شمرده میشود نشان دهد.

قصد من در این یادداشت بیان تاریخچه این چند سال شورا و یا لیست کردن اقدامات شورا صنفی طی این سال ها نیست و آنچه پیش از این گفته شد برای روشن تر شدن جایگاه شورا صنفی از نگاه نگارنده و بیان این امر که متأسفانه به خاطر بسته شدن چند سال شورا پیش از دوران کنونی شورا

شورای صنفی دانشجویان

محمد رضا گیوه - شورای صنفی دانشجویان مطابق آیین نامه مصوب سال ۱۳۹۵ وظیفه دارد تا حلقه واسط خواست های صنفی دانشجویان (بدون هیچ قیدی) با مسئولین ذیربط باشد. تعریف «حقوق صنفی» که موضوع کار این شورا را مشخص می کند، مجموعه ای از امور مرتبط با دانشجو در محدوده فضاهای دانشگاهی است، که شامل حوزه های مختلف امور تغذیه، امور خوابگاه ها، امور خدماتی، امور تربیت بدنی و نحوه ارائه خدمات آموزشی می باشد. پس از ذکر این اهداف در تبصره ای تصریح شده است که شورا های صنفی مجاز به انجام فعالیت و موضع گیری سیاسی نیستند. کار اعضای شورای صنفی هر دانشکده در اولویت نخست، شناخت مسائل موجود در این حوزه ها برای دانشجویان و سپس تلاش در جهت بهتر کردن شرایط زیست دانشجویی آنان است. این شورا در دانشکده ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران به شکل کاملاً ملموسی استحاله شده است. شورای صنفی در اینجا به اموری می پردازد که پرداختن به آنها در شان یک تشکل سیاسی است و در بهترین حالت پیگیری برخی از نیازهای گسترده و متنوع صنفی در دانشکده را بهانه ای برای ادامه حیات غیررسمی سیاسی-ایدئولوژیک خود کرده است. عدم وجود امکانات برای تشکل یابی هر دسته ای از دانشجویان با هر گرایشی در دانشگاه، بدون تردید دردناک است. اما دردناک تر از آن قربانی شدن شرایط عینی زیست دانشجویی به پای نیاز دانشجویان چپ برای تشکل یابی است. شورای صنفی علوم اجتماعی یکی از فعالترین شوراهای صنفی در سطح دانشکده های دانشگاه تهران است. در عین حال فضای فیزیکی و کیفیت مادی در دانشکده علوم اجتماعی، شاید بدترین شرایط را در میان دانشکده های مختلف دانشگاه تهران دارد. و این در حالی است که وظیفه ی اصلی شوراهای صنفی پیگیری همین مطالبات کوچک و جزئی، اما تاثیرگذار در زندگی دانشجویان است. تنها توضیح برای این تناقض آشکار، تغییر کارکرد شورای صنفی از جایگاهی برای پیگیری نوع خاصی از مطالبات تمامی دانشجویان، به سازمان تشکیلاتی افرادی است که خود را «فعال چپ» می دانند. این مسئله به خودی خود اگر موجب مورد غفلت واقع شدن خواست های صنفی نمی شد، هر چند نادرست، اما قابل تحمل می نمود. اما در شرایط فعلی که از فضای فیزیکی سلخته، خراب و کثیف دانشکده گرفته تا بوفه ی بی کیفیت و گران آن و حتی سرویس های بهداشتی اش که یکی در میان آب ندارند و قفل در اکثرشان خراب است، «بودن» در دانشکده را برای دانشجویان سخت تر کرده است، این استحاله از همیشه غیرقابل قبول تر می نماید. باید از دانشجویان پرسید که کدام شان اعضای شوراهای اخیر دانشکده را نماینده و پیگیر خواست های انضمامی صنفی خود می دانند و کدام شان عطای پیگیری این خواسته ها را به لقای این دوستان بخشیده اند.